

## سنجش فاصله قومی و همزیستی مسالمت آمیز در فضا های چند قومی

نمونه موردی: خراسان شمالی

محمدحسین پاپلی یزدی(استاد گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

**papoli.mh@gmail.com**

علیرضا منصوریان(دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

**mansouriana@yahoo.com**

دکتر محمد رضا حافظ نیا(استاد گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

**hafezn\_m@modares.ac.ir**

ابراهیم رومینا(استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

**e.roumina@modares.ac.ir**

### چکیده

پایداری سیستم‌های سیاسی در فضا های قومی متنوع حاصل کنش هایی مسالمت‌آمیز و همزیستی آنها است. همزیستی حاصل پذیرش محدودیت های اعمال شده بوسیله کنشگران متقابل یا عوامل بین گونه‌ای است. پژوهش حاضر با هدف سنجش وضعیت فاصله قومی و همزیستی مسالمت آمیز در فضاهای چند قومی با تاکید بر اقوام کرمانج، ترک، فارس و ترکمن استان خراسان شمالی در سه وجه عمومیت شدت و تقارن در میان گروه های اجتماعی مختلف انجام شده است. این پژوهش بصورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در این روش با جمع آوری داده‌ها و اطلاعات (پرسشنامه) توصیف، تحلیل و ارزیابی شده است. پرسش های طراحی شده در این بخش بر مبنای مولفه های همزیستی در جدول متغیرهای مورد سنجش مد نظر بوده است. این متغیرها طیفی از فاصله اجتماعی را در فضاهای چند قومی مد نظر قرار می دهند تا با ارزیابی این فواصل اجتماعی، روابط بین آنها را ارزیابی نمایند. پژوهش نشان از گستردگی نزدیکی سه قومیت ترک، کرمانج و ترکمن به فارس ها به میزان (۹۶ درصد) و دوری از قوم ترکمن به میزان (۷۹ درصد) است. عمق و(شدت) این فاصله نیز همانند عمومیت نشان از آن دارد که سه قوم ترک، کرمانج و ترکمن با قوم فارس بیش ترین میزان ارتباط با(۸۴ درصد) در حالیکه با قوم ترکمن کمترین میزان (۳۹ درصد) دارا می باشند. فاصله قوم به قوم نیز نشان از آنست که کرد ها با کمترین تفاوت و فاصله دوجانبه را دارند. این در حالی است که میزان فاصله قومی ترکمن ها با سایر اقوام به مراتب بیشتر از میزان فاصله قومی سایر اقوام با ترکمن ها است. یافته ها نشان از عدم وجود بحران و تضاد قومی در این منطقه و همزیستی مسالمت آمیز است..

**واژگان کلیدی:** فاصله بین قومی، همزیستی مسالمت آمیز خراسان شمالی اقوام، کرمانج، ترکمن، ترک، فارس.

## ۱. مقدمه

قوام و دوام سیستم‌های شکل گرفته در عرصه‌های جغرافیایی بسته به نیروهایی است که تداوم آنها را تضمین می‌کند. از اینرو صورت‌ها و ساخت‌های مکان و فضای جغرافیایی حاصل کنش انسان می‌باشند (Sheblyng, 1998, 108). جوامع بشری هرچند دارای نوعی وفاق و انسجام کلی هستند ولی افراد جامعه با توجه به ویژگی‌هایی از یکدیگر متفاوتند که بر اساس آنها به ایفای نقش پرداخته و به تبع آن باعث ایجاد گروه‌های متنوعی در جوامع می‌شوند. افراد با توسل به عضویت در گروه‌های اجتماعی خود را شناسایی می‌کنند و از این رهگذر هویت خود را شکل می‌دهند این هویت‌های متنوع عامل تمایز یافتگی جوامع می‌شوند (Rezaei, & Ahmad Lou 2005: 8). گروه‌های انسانی در گذشته بر اساس خصیصه‌ها و ویژگی‌های مشترک در قالب گروه‌های ایلی و قبیله‌ای در عرصه‌های جغرافیایی کنش‌های خود را تنظیم می‌نمودند اما با ظهور ساختارهای سیاسی نوین، موجودیت گروه‌های انسانی در قالب یک سرزمین واحد، بستر ساز هویت‌یابی قومی گردید. از سوی دیگر تعدد گروه‌های انسانی در یک واحد سیاسی، زمینه چند فرهنگی و به تبع فرهنگ‌باوری سیاسی حاکم بر آنها در جهت شکل‌گیری مخاطرات پیش‌رو با برجسته‌سازی هویت‌ها و گروه‌بندی‌های فروملی با عملکرد تضعیف همبستگی ملی تقویت می‌نماید (Karimi, 2006: 94-113). در این شیوه تفکر کشورهایی که بر مبنای تمایزات قومی استوار باشند عمیق‌ترین منابع پایدار خشونت و منازعه را شکل می‌دهند چراکه این اقوام رسالت خود را در تشکیل یک واحد سیاسی مجزا می‌دانند (Burton, 1984: 101). در تعامل با سنت‌های نظری رشته‌های مذکور زمینه ساز شکل‌گیری انواع نظریه‌ها و رویکردهای نظری به مسائل قومی بوده است (Seyed Emami, 2008: 17). هویت قومی در ایران پدیده‌ای ذهنی و تخیلی است که در چارچوب شرایط دوره معاصر شکل گرفته است. جامعه ایرانی تا قبل از مطرح‌شدن مباحث قومی، جامعه‌ای ایلی و قبیله‌ای بود (Ahmadi, 2017: 51-62) و هر یک از ایلات و قبایل مسکون دارای کنش‌های درونی گسترده بوده‌اند و در پاسداری از هویت سرزمینی در کنار یکدیگر به کنش‌های جمعی پرداخته‌اند. شمال خراسان از دیرباز مامن تشکل‌های انسانی از گروه‌های قومی، زبانی و دینی گوناگون بوده است. سکونت‌گزینی چند مرحله‌ای اقوام در این سرزمین، یعنی کوچانده شدن ایلات و طوایف از اقوام گوناگون به جایی و استقرار در آنجا برای مدتی، سپس رانده یا کوچانده شدن به جایی یا جاهای دیگر، یا مهاجرت خودخواسته گروه‌های قومی از مکانی به مکانی دیگر به سبب ناسازگاری با محیط و وضعیت آب و هوایی، مسئله و مشکل زمین و مرتع، نقصان آب، خشک‌سالی و قحطی و مسائل دیگر اقتصادی اثراتی بسیار فراوان در ساختار و شیوه معیشتی و هویتی آنها پدید آورد. (Blockbashi, 2016). این فضا در طول تاریخ فضای کنش و رقابت دو تمدن ایران و تورانی بوده است. به گونه‌ای که بخش مهمی از فرهنگ، تمدن و ادبیات ایرانی متأثر از این تحولات شکل گرفته است. رقابت این دو تمدن در شکل رقابت و تنش در دوره‌های تاریخی باعث شده است که حکومت‌های مستقر در هر دوره سیاست‌های متفاوتی برای مدیریت و کنترل این بخش و مقابله با توسعه فضایی تمدن تورانی به سوی سرزمین‌های ایرانی در پیش گیرند. یکی از روش‌های کنترل و مدیریت سرزمینی توسط حکومت‌های ایرانی، استفاده از گروه‌های قومی سایر فضاها جغرافیایی ایران بوده است. استفاده از گروه‌های قومی

سایر فضاها با دو روش کنترل موقت و نیز اسکان دائمی صورت می‌گرفته است. گروه‌های قومی که با این روش در شمال شرق ایران اسکان یافته‌اند، کرد زبانان کرمانج، ترک زبانان وساکنان بومی و دیگر گروه‌هایی بوده است که در حال حاضر شکل قالب جمعیت در شمال شرق ایران حضور دارند. از سوی دیگر ترکمانان به عنوان بخشی از داعیان تمدن تورانی و هدف توسعه قلمرو دائما فضای شمال شرق را تحت فشار قرار داده‌اند. نتیجه این کوشش از سوی جنوب و فشار از شمال فضا در دوره‌های تاریخی بستر اسکان این گروه را در این فضا شکل داده است. همجواری قومی، اقوام مختلف که در خصیصه‌های مذهبی، زبانی و قومی و فرهنگی دچار شکاف می‌باشند، همزیستی مسالمت آمیزی را شکل داده است که با توجه به شاخص‌های متفاوت و متعارض الگوی ویژه‌ای است. حضور این گروه‌ها علاوه بر ویژگی‌های فرهنگی و انسانی خصوصیات منحصر بفردی را به خراسان شمالی می‌دهد.

۱- در کمتر نقطه‌ای از جهان در سطحی چنین کوچک به این چنین مخلوطی از اقوام و زبان‌ها و لهجه‌های متفاوت برخورد می‌کنیم.

۲- در حال حاضر این اقوام با همه تفاوت‌ها و ویژگی‌های قومی - زبانی و فرهنگی و علی‌رغم داشتن تاریخی آشفته و گاه خون‌آلود با هم به آرامش و مسالمت زندگی می‌کنند. در کمتر نقطه‌ای از جهان حتی در کشورهای اروپایی به ناحیه‌ای با این چنین اختلاط قومی و زبانی که از چنین آرامشی برخوردار باشد برخورد می‌کنیم.

۳- این زندگی مسالمت آمیز و در آمیختگی قومی - فرهنگی در بین اقوام و زبانهای مختلف در شمال خراسان ویژگی بزرگی انسانی این ناحیه است. (Papoli, 1997: 24). شناسایی دقیق مسائل اقوام خراسان شمالی ارزش بسیار دارد و جا دارد که تحقیقات عمیقی در این زمینه انجام شود. یکی از این مسائل اساسی که نقش مهمی در همزیستی اقوام این استان دارد سنجش فاصله بین قومی و پای بندی اعضای هر قوم به هویت قومی خود و فاصله آنان با اقوام دیگر در این استان است. که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۲. مفاهیم و چارچوب نظری تحقیق

### ۲-۱: قومیت

موضوع قومیت، گروه‌های قومی و تنوع قومی از جمله بحث‌های پر دامنه در علوم اجتماعی و انسانی است توجه به این موضوع در سال‌های نیمه دوم قرن بیستم به خصوص بعد از فروپاشی نظام دوقطبی در سطح جهانی بخصوص در آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد با روندی فزاینده مواجه شده است و حجم قابل توجهی از منابع در این زمینه به رشته تحریر درآمده است. از همین رو ادبیات قومیت نسبتاً غنی به نظر می‌رسد. در این قسمت از پژوهش به بیان برخی از مهمترین آنها اشاره می‌کند. اسمیت از صاحب نظران برجسته موضوع قومیت معتقد است «قوم عبارتست از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجداد مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی با وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت است» عنصر محوری این تعریف اعتقاد، آگاهی و فرهنگ مشترک است. (Smith, 2004: 185) ابوطالبی قوم را یک سازمان اجتماعی تشکیل یافته‌ای می‌داند که بر پهنه سرزمین معینی قرار دارد

و شامل مردمی است که در طول تاریخ با هم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی و... برقرار کرده و دارای زبان، ویژگی های فرهنگی، ارزش های اجتماعی و سنت های مشترک می باشند. (Aboutalebi, 1999: 131). در تعریف بالمر قومیت عبارتست از اجتماع کوچکی از انسان ها در درون جامعه ای بزرگ تر که دارای اصل و نسب مشترک، خاطرات مشترک و گذشته تاریخی - فرهنگی مشترک و دارای یک یا چند عنصر سمبلیک نظیر؛ خویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین و خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترک می باشد که هویت گروهی آنان را از گروه های دیگر متمایز می سازد و اعضای آن به تعلقات گروهی - قومی خویش آگاهی دارند (Bullmer, 1986:18) "وبر نیز معتقد است" گروهی انسانی که به نیای مشترک خود به علت شباهت های فیزیکی با اشتراک در آداب و رسوم و یا هر دو و یا به علت خاطرات گذشته استعماری یا مهاجرت، یا بر عکس، عقیده ذهنی دارند، تعریف می کند. به نظر وبر تشکیل گروه قومی موقوف به کنش سیاسی، اجتماعی، عینی است (Rolland, 2001: 235)

مفهوم قوم، قومیت، و گروه قومی، در شاخصه هایی مانند ابعاد فرهنگی، موراث و شناسه های فرهنگی نظیر زمان، مذهب، آداب و رسوم و پیشینه ی تاریخی (Atabaki, 1993 70) اشتراک داشته و بواسطه ادراک هویت قومی، دلبستگی و تعلق خاطر نسبت به گروه قومی (Maghsoudi, 2001: 20) درک و تجربه مشترک از محرومیت مادی، شرایط نامطلوب زندگی، سختی ها و به حاشیه رفتن ها، از دیگر گروه های اجتماعی متمایز می شوند.

## ۲-۲: هویت

هویت نوعی نمادسازی یا به عبارتی پدیده ای فرهنگی است که افراد، گروه ها، اقوام یا مکان ها برای احراز موجودیت خود و تمایز از دیگران اتخاذ می نمایند. یکی از رایج ترین شیوه های تعیین هویت ها تا گزینش نام و نامگذاری است، به طوری که هیچ فرد، گروه، قوم یا مملکتی بدون نام یافت نمی شود. (Goodarzi, 2005: 33) این مفهوم معطوف به پاسخ به چیستی و کیستی انسان ها به صورت جمعی است (Maghsoudi, 2001 : 210 و Heise, 1998, 202). یکی از سطوح میانی هویت های اجتماعی، هویت قومی است. انسانها در هر صورت خود را به قومی واقعی یا خیالی منتسب می کنند و بر اساس آن خود را در جامعه و تاریخ باز می یابند. هویت قومی به سنت فرهنگی مشترک و احساس هویتی گفته می شود که یک قوم را به عنوان یک گروه فرعی از یک جامعه بزرگتر متمایز می کند. اعضای هر گروه قومی از لحاظ ویژگی های خاص فرهنگی از سایر اعضای جامعه خود را متمایز می دانند (Davari, 1997: 44). هر قوم دارای سطوح مختلف هویت است، یعنی واحدهای تشکیل دهنده هر قوم، نام خاص خود را دارند که آنان را از یکدیگر متمایز می نماید. به عنوان مثال قوم لر به چند شعبه بزرگ بختیاری، کهکلویه و بویراحمد، ممسنی، لرستانی و غیره تقسیم می شوند که هر یک از آنها به نوبه خود از گروه ها و ایلات گونه گونی تشکیل می شود. هر ایل نیز دارای واحدهای متعددی است که دارای سطوح هویت متمایزی می باشند. (Goodarzi, 2005: 33).

## ۲-۳: فاصله بین قومی

فاصله بین قومی به معنای میل و آمادگی ذهنی اعضای هر قوم برای داشتن رابطه با اعضای سایر اقوام است. مانند آمادگی برای وصلت، دوستی و معاشرت، همکاری، همسایگی و همشهری بودن. این مفهوم اولین بار تحت عنوان «فاصله اجتماعی» توسط پارک و بورگس از جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو به مجموعه‌ی واژگان جامعه‌شناسی وارد شد. بورگس در بررسی علمی مسائل شهری، موضوع مهاجرت خارجی‌ان متعلق به نژادها و اقوام مختلف به ایالات متحده آمریکا و مسائل و کشمکش‌هایی را که به هنگام جذب و در هم آمیخته شدن آن‌ها در جامعه و فرهنگ آمریکا پیش آمد، مورد بررسی قرار داد. (Coen, 2006: 134). این مفهوم برای برآورد میزان فاصله و تضاد بالقوه و واقعی موجود در بین گروه‌های فرهنگی، صنعتی، سیاسی، نژادی، مذهبی و غیره به کار برده می‌شود: Rafipour, 1996: 207) یورگن هابرماس هم در نظریه کنش ارتباطی و عقلانیت ارتباطی خود، بهره‌گیری از حوزه عمومی یا گسترده همگانی برای تعاملات فرهنگی و اجتماعی، به ویژه گفت و گوی آزاد و خردمندانه، شکل‌گیری ساختارها و ارزش‌های عام و تحقق عقلانیت ارتباط و توسعه و تکامل اجتماعی را ضروری می‌داند (Habermas, 1996: 83) پیر بوردیو فاصله بین کنشگران اجتماعی را بر حسب میزان سرمایه کلی و سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی تعیین می‌کند که می‌توان آن را در زمینه فاصله اقوام و اعضای آن‌ها با توجه به سطح دانش و پهنه تعاملات اجتماعی آنان به کار گرفت (Bourdieu, 2001: 36). به اعتقاد کولیف «خود» اغلب یک «خود» اجتماعی است و در جریان تعاملات و مناسبات با دیگران شکل می‌گیرد و آگاهی شخص از خودش، بازتاب افکار دیگران در مورد اوست. از این رو به هیچ وجه نمی‌توان از خودهای جداگانه صحبت نمود (Coser, 1994: 410). «خود» همان هویت اجتماعی است که نسبتاً پایدار و تغییرناپذیر است و در فرآیند تعامل اجتماعی با درونی شدن ایستارهای مختلف دیگران نسبت به خود شکل می‌گیرد (Craib, 1999: 110). از نظر جنکینز نیز هویت حاصل دیالکتیک درونی بیرونی یا فرد و جامعه است. به اعتقاد وی هویت‌های اولیه (نظیر خود بودن، انسان بودن، جنسیت، قومیت و خویشاوندی) در اوایل زندگی ساخته می‌شوند و گروه‌های نخستین نقشی اساسی در شکل‌گیری آن دارند. در حالی که هویت‌های ثانویه، بیش‌تر متأثر از تعاملات اجتماعی و در قالب گروه‌های ثانویه شکل می‌گیرند (Jenkins, 2002: 21).

## ۲-۴: همزیستی مسالمت آمیز

همزیستی در منابع مختلف معادل "Symbiosis" و "Coexistence" است. همزیستی معادل "Symbiosis" به معنای زیست دو گونه گیاهی و مراوده و ادامه دادن اشتراک دو گیاه در زندگی است. (Moein, 2003: 1319 & Oxford, 1999: 769). همزیستی از بعد اجتماعی "Coexistence" به معنای به رسمیت شناختن دیگران و زندگی با تفاوت‌ها است (Rupesinghe, 1999: 337) بیرو آن را پدید ای می‌داند که از طریق آن دو واحد متفاوت به جهت زندگی مشترک، متقابلاً به کمک و حمایت از یکدیگر می‌پردازند. (Biro, 2001: 384). اساس و جوهر همزیستی آگاهی به این مطلب است که افراد به گونه‌های متعددی، متفاوت‌اند. آنها شامل طبقه، قومیت، مذهب، جنسیت و گرایش‌های سیاسی هستند. در این معنا که هر دو طرف الگوهای رفتارشان را به منظور سازگار کردن آن با

دیگری از بیرون تغییر می دهند (Nik Gohar, 2000:223-228). بر اساس تعاریف ارائه شده همزیستی را می توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. همزیستی غیر فعال ۲. همزیستی فعال همزیستی غیر فعال در جایی وجود دارد که افراد به صورت متمایز از هم هستند، روابط به شکل نابرابر، ارتباط جزئی درون گروهی و نبود انصاف و مروت است. اصول عدالت اجتماعی امکان ظهور ندارد. در حالی که در این نوع محیط ها ممکن است خشونت وجود نداشته باشد، استمرار این روابط غیر منصفانه بعید است که منجر به حل تضاد شود. در این ساختارها محیط مساعد برای حمایت از برابری نیست، بی عدالتی و ساختار سخت و طاقت فرسایی که اغلب در آن رشد اجتماعی، صلح و آرامش و توسعه دموکراسی نیز به تاخیر می افتد حفظ می شود، البته تا زمانی که اختلافات درون گروهی گسترده نشده باشد گروه ها می توانند بدون خشونت در کنار یکدیگر زندگی کنند. در همزیستی فعال برخلاف همزیستی غیر فعال روابط بر اساس شناخت، احترام برای تنوع و پذیرش فعال تفاوت ها، برابری در دسترسی به منابع، فرصت ها و برابری در همه جنبه های زندگی است این نوع همزیستی موجب رواج صلح و آرامش و انسجام اجتماعی بر اساس عدالت، برابری، و انصاف است و ... (Touval, 2007: 333). اغلب فاصله اجتماعی برای سنجش درجه صمیمیت ممکن در روابط اجتماعی گروه های مختلف نژادی و قومی و رابطه بین اعضای آنها به کار می رود (Coen, 2006: 131). رفتار افراد در شرایط اجتماعی شکل می گیرد. و شرایط اجتماعی است که بر شیوه های کنش و واکنش افراد تاثیر می گذارند بی شمارند. وضع خانوادگی شان اجتماعی، عضویت در گروه های خاص دینی، نژادی و زبانی، قومی، تعلق به گروه های ممتاز و یا محروم اجتماعی و مشارکت در یک سنت فرهنگی از جمله اند (Maghsoudi, 2001: 77).

### ۳. روش تحقیق

پژوهش مزبور به لحاظ هدف، بنیادی و به لحاظ ماهیت و روش، از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی می باشد. ابزار گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه ای و میدانی می باشد. برای تجزیه و تحلیل یافته ها، از روش تحلیل کمی و کیفی استفاده می شود. نتیجه گیری نهایی این پژوهش نیز به کمک و ترکیب هر دو این روش ها انجام می گردد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه افراد ساکن در استان خراسان شمالی می باشد. بر اساس آمارهای بدست آمده جمعیت کل استان ۸۶۳۰۹۲ نفر می باشد. به تفکیک جنس، جمعیت زنان استان، ۴۲۹۴۵۹ نفر و جمعیت مردان استان، ۴۳۳۶۳۳ نفر است. از این تعداد، ۳۷ درصد کرد، ۲۷ درصد ترک، ۲۷ درصد فارس، ۱۷.۸ درصد ترکمن، ۰.۰۳ درصد نیز سایر اقوام هستند. در این تحقیق، برای هر یک از اقوام چهارگانه خراسان شمالی، از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب استفاده شده است. لذا با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه کوکران، حجم نمونه مورد نیاز برای تحقیق حاضر ۳۸۴ نفر برآورد شده است که جهت افزایش ضریب اطمینان ۳۹۱ پرسشنامه تکمیل شد.

روش سنجش فاصله بین قومی توسط پنج سؤال غیر مستقیم یا گویه به شرح جدول ۲ سنجیده شده است. هر پنج سؤال برای هر یک از اقوام چهارگانه (به جز قومی که پاسخگو در آن عضویت داشته) پرسیده شده است. در مقدمه سؤالات مذکور، از پاسخگو خواسته شده به عنوان عضو یک قوم (مثلا به عنوان یک کرمانج) در مورد هر یک از اقوام

مورد نظر با این گونه ها موافق است یا نه؟ آمارهای فاصله بین قومی به حسب مقیاس ۰ تا ۱۰۰ محاسبه گردیده است. برای این منظور ابتدا سؤالات پنج گانه به ترتیب ذیل نمره گذاری شده است: "پاسخ موافق (بلی) با گویه اول (وصلت) معادل ۱۰۰، پاسخ موافق با گویه دوم (دوستی) معادل ۷۵، پاسخ موافق با گویه سوم (همکاری معادل ۵۰، پاسخ موافق با گویه چهارم (همسایگی) معادل ۲۵ و پاسخ موافق با گویه پنجم (هم شهری) معادل ۱ و در مقابل، پاسخ های مخالف (خیر) با گویه های مذکور معادل ۰ محسوب گردیده است. از ترکیب پنج گویه مذکور، شاخص فاصله بین قومی ساخته شده و سپس شاخص مذکور به مقیاس ۰ تا ۱۰۰ تبدیل گردیده است. براساس مقیاس مذکور، عدد . یا حداقل فاصله بین قومی، در مورد کسانی صادق است که با همه گویه ها، مخالف بوده اند.

جدول شماره ۱ حجم نمونه در هر یک از اقوام خراسان شمالی

قومیت	زن	مرد	کل
فارس	۵۸	۴۹	۱۰۷
ترک	۳۴	۵۲	۸۶
ترکمن	۱۱	۲۱	۳۲
کرد	۷۹	۶۶	۱۴۵
دورگه	۱۲	۸	۲۰
سایر	۰	۱	۱
کل	۱۹۴	۱۹۷	۳۹۱

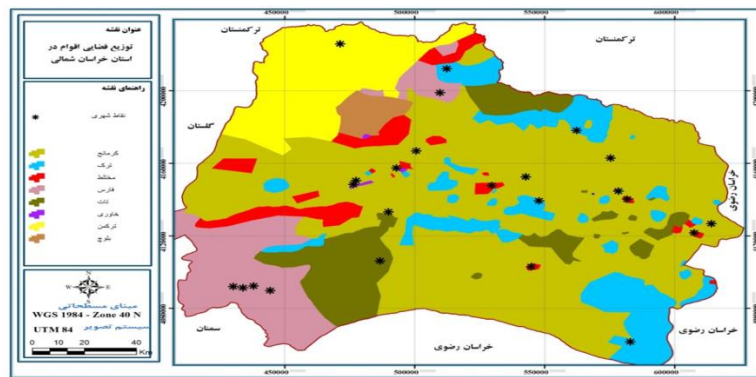
#### ۴.. محیط شناسی:

بافت انسانی و قومیتی خراسان شمالی در ادوار مختلف تغییرات بزرگی را به خود دیده است. در سطحی حدود ۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع تقریباً تمامی گروه های قومی موجود در ایران را در خود جای داده است. حضور این گروه ها علاوه بر ویژگی های فرهنگی و انسانی خصوصیات منحصر بفردی را به خراسان شمالی می دهد. به گونه ای که در کمتر نقطه ای از جهان در سطحی چنین کوچک به این چنین مخلوطی از اقوام و زبانها و لهجه های متفاوت برخورد می کنیم. برخی از این گروه ها در طول قرن ها باهم به زد و خورد مشغول بوده اند. داستان برخوردهای میان کردها و ترکمن ها و سایر اقوام خراسان مسأله ای است که تا حد زیادی شناخته شده است، هرچند که شناخت عمیق آن محتاج تحقیقات مفصلی است. برخوردهای کوچکتر در مقیاس های محلی در طول قرنها وجود داشته است. داده ها و اطلاعات منابع تاریخی و تحقیق میدانی نشان دهنده چگونگی ترکیب جمعیتی قوم ها و ایلات و طوایف پراکنده در این سرزمین و تحولات در سازمان اجتماعی - فرهنگی و معیشتی گروه های کوچنده و یکجانشین در این سرزمین است.

(Papoli, 1997: 25)

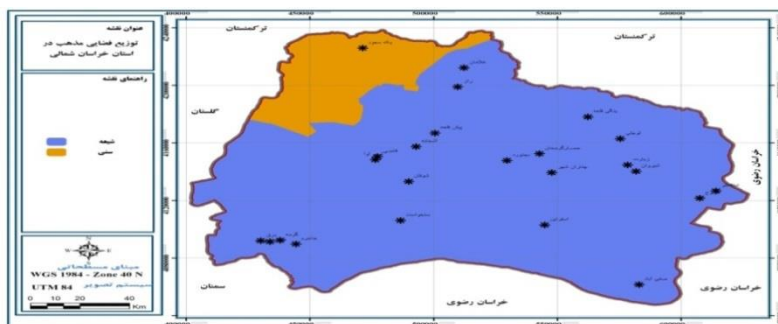
استان خراسان شمالی به دلیل برخورداری از تنوع قومی با فرهنگ های خاص، به «گنجینه ی فرهنگ ها» شهرت یافته است. تحولات تاریخی و عوامل محیطی در گستره ی سرزمینی کشور ایران، سبب اسکان اقوام مهاجم و مهاجر مختلفی نظیر تات، ترک، ترکمن، کرد (کرمانج)، بلوچ و خاوری در این خطه از کشور شده است. مهاجرت کردها (کرمانج ها) به

شمال خراسان و اسکان آن ها همزمان با روی کار آمدن سلسله ی صفویه، آخرین حرکت جمعیتی مهم و مؤثر در ترکیب قومی و اجتماعی این منطقه به شمار می آید. این استان که دیوار دفاعی شمال شرق کشور به حساب می رود، از گروه های قومی با ویژگی های مانند نژاد و قومیت، زبان، مذهب، فرهنگ و طبقه ی اجتماعی برخوردار است که هر یک از این ویژگی ها تأثیر به سزایی بر الگوی انسجام ملی داشته اند. بررسی تعداد و درصد نسبی جمعیت اقوام ساکن در شهرستان های استان نشان می دهد بیشترین قلمرو گرمانج ها به ترتیب مربوط به شهرستان های فاروج و اسفراین می باشد. قوم ترک، شهرستان های اسفراین و بجنورد از بیشترین قلمرو برخوردار بوده اند. در باره ترکمن ها بیشترین قلمرو مربوط به شهرستان های رازوجرگلان و مانه و سملقان است. در بین شهرستان های استان گرمه و جاجرم از بیشترین قلمرو قومی فارس (تات) برخوردارند. بیشترین قلمرو بلوچ ها با مربوط به منطقه کالیمانی در بخش مانه شهرستان مانه و سملقان است. (Jafari, 2015: 21)



توزیع فضایی اقوام در خراسان شمالی (ترسیم نگارنده)

اکثریت قریب به اتفاق مردم استان خراسان شمالی (۹۹/۶٪) مسلمان اند که در مناطق روستایی درصد مسلمانان به ۱۰۰ درصد می رسد (مرکز آمار ایران). حدود ۵ / ۹۱ درصد از مسلمانان نقاط روستایی استان شیعه ی جعفری اند که مذهب کرمانج ها، ترک ها، تات ها، فارس ها و خاوری ها و بلوچ بوده و بیش از ۸ / ۴۷ درصد از شاخه حنفی اهل سنت اند که مذهب ترکمن ها می باشد. اقلیت مذهبی اهل سنت شامل دو قوم ترکمن و بلوچ با شاخه حنفی، در فضای شمال غربی استان مشتمل بر مناطق جرگلان و کالیمانی پراکنده اند. این قلمرو با ناحیه حنفی مذهب در کشور ترکمنستان و شرق گلستان پیوستگی فضایی داشته فواصل جغرافیایی میان آن ها، با بازوها و زبانه های جغرافیایی بخش شیعه نشین پر نمی شود. (Ibid:27)





### توزیع فضایی مذهب در خراسان شمالی (ترسیم نگارنده)

خراسان تا اوایل دهه ۱۳۸۰ بزرگترین استان ایران بود، ولی از آغاز دهه مذکور این استان به سه استان به اسامی خراسان شمالی - خراسان جنوبی و خراسان رضوی تقسیم شده است. بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ خراسان رضوی، شامل ۲۹ شهرستان، خراسان شمالی شامل ۸ شهرستان های و خراسان جنوبی نیز مشتمل بر ۱۱ شهرستان می باشد. استان خراسان شمالی با وسعتی برابر با ۲۸۴۳۴ کیلومتر مربع بین مدار جغرافیایی ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۵ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۵۸ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. استان خراسان شمالی از شمال و شمال شرقی به طول حدود ۳۰۱ کیلومتر دارای مرز مشترک با جمهوری ترکمنستان و از شرق و جنوب با استان خراسان رضوی و از جنوب غرب با استان سمنان و از غرب با استان گلستان دارای مرز مشترک است (Jomeh Dizavandi, 2016: 6).

### ۵. یافته ها

متغیرهای پژوهش با استفاده از آمار توصیفی در دو قالب مورد بررسی، قرار می گیرد در ابتدا به توصیف ویژگی های اجتماعی-جمعیتی پاسخگویان، و سپس به توصیف متغیرهای مورد سنجش پرداخته شده است.

#### ۵-۱ ویژگی های اجتماعی-جمعیتی پاسخگویان:

متغیرهای زمینه ای این تحقیق شامل: جنسیت، تحصیلات، قومیت، شغل و مذهب پاسخگو است. در زیر، توصیف داده های بدست آمده همراه با جداول تشریح می شود.

#### ۵-۱-۱ توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت:

جدول شماره (۲) نشان دهنده ی توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت است. یافته ها گویای آن است که ۴۹.۶ درصد (۱۹۴ نفر) از پاسخگویان زن و ۵۰.۴ درصد (۱۹۷ نفر) آنها مرد بوده اند. بر این اساس می توان گفت که سهم زنان و مردان در نمونه تقریباً به یک اندازه می باشد.

جدول ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنس	فراوانی	درصد
زن	۱۹۴	۴۹.۶
مرد	۱۹۷	۵۰.۴
کل	۳۹۱	۱۰۰.۰

#### ۵-۱-۳ درصد توزیع پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات:

همانگونه که جدول ۴ نشان می‌دهد تعداد پاسخگویانی که دارای مدرک لیسانس هستند، با ۱۳۷ نفر (۳۵.۰ درصد) بیشترین فراوانی را داراست و بعد از آن تعداد پاسخگویانی که دارای مدرک دیپلم و یا دانش آموز دوره دبیرستان هستند با ۱۱۷ نفر (۲۸.۶ درصد) از لحاظ فراوانی در مرتبه دوم قرار دارد.

جدول ۴: درصد توزیع پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	فارس	ترک	ترکمن	کرد	دو رگه	کل	درصد کل
بی سواد یا ابتدایی	۰.۰	۷.۲	۰.۰	۲.۸	۰.۰	۱۰	۲.۶
تا سیکل	۰.۰	۰.۰	۶.۳	۶.۳	۰.۰	۱۱	۲.۸
دبیرستان تا دیپلم	۲۱.۵	۳۸.۶	۲۵.۰	۳۰.۶	۲۰.۰	۱۱۲	۲۸.۶
فوق دیپلم	۱۱.۲	۱۰.۸	۶.۳	۱۳.۹	۲۵.۰	۴۸	۱۲.۳
لیسانس	۴۷.۷	۲۲.۹	۴۶.۹	۳۰.۶	۴۰.۰	۱۳۷	۳۵.۰
فوق لیسانس	۱۵.۹	۱۴.۵	۱۲.۵	۱۵.۳	۱۰.۰	۵۷	۱۴.۶
دکتر	۳.۷	۶.۰	۳.۱	۰.۷	۵.۰	۱۲	۳.۱
بی پاسخ	-	-	-	-	-	۴	۱.۰
کل	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۳۹۱	۱۰۰.۰

#### ۵-۱-۵- توزیع پاسخگویان بر حسب مذهب:

جدول شماره (۶) نشان دهنده‌ی توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مذهب است. یافته‌ها گویای آن است که ۹۱.۵ درصد (۳۵۵ نفر) از پاسخگویان شیعه و ۸.۲ درصد (۳۲ نفر) آنها سنی بوده‌اند. تنها یک نفر از سایر ادیان بوده است.

جدول شماره ۶: توزیع پاسخگویان بر حسب مذهب

جنس	فراوانی	درصد
شیعه	۳۵۵	۹۱.۵
سنی	۳۲	۸.۲
سایر	۱	۰.۳
کل	۳۸۸	۱۰۰.۰

### ۵-۱-۶- توزیع پاسخگویان بر حسب قومیت:

همانگونه که جدول ۷ نشان می دهد، بیشتر پاسخگویان (۳۷.۱ درصد) کرد هستند. پس از آن قومیت فارس (۲۷.۴ درصد) بیشترین تعداد پاسخگویان را دارد.

جدول ۷: توزیع پاسخگویان بر حسب قومیت

قومیت	زن		مرد		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
فارس	۵۸	۲۹.۹	۴۹	۲۴.۹	۱۰۷	۲۷.۴
ترک	۳۴	۱۷.۵	۵۲	۲۶.۴	۸۶	۲۲.۰
ترکمن	۱۱	۵.۷	۲۱	۱۰.۷	۳۲	۸.۲
کرد	۷۹	۴۰.۷	۶۶	۳۳.۵	۱۴۵	۳۷.۱
دو رگه	۱۲	۶.۲	۸	۴.۱	۲۰	۵.۱
عرب	۰	۰.۰	۱	۰.۵	۱	۰.۳
کل	۱۹۴	۱۰۰.۰	۱۹۷	۱۰۰.۰	۳۹۱	۱۰۰.۰

### ۵-۲: توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر مورد سنجش

فاصله بین قومی با پنج سوال غیر مستقیم یا گویه برای هر یک از اقوام مورد بررسی، سنجیده شده است. آمار های فاصله بین قومی به حسب مقیاس ۰ تا ۱۰۰ محاسبه گردیده است. برای این منظور ابتدا سوالات پنج گانه به ترتیب نمره گذاری شده است: پاسخ موافق با گویه اول معادل ۱۰۰، پاسخ موافق با گویه دوم معادل ۷۵، پاسخ موافق با گویه سوم معادل ۵۰، پاسخ موافق با گویه چهارم معادل ۲۵ و پاسخ موافق با گویه پنجم معادل ۱ و در مقابل، پاسخ های مخالف با گویه ها معادل ۰ محسوب گردیده است. از ترکیب پنج گویه، شاخص فاصله بین قومی ساخته شده است و سپس شاخص مذکور به مقیاس صفر تا صد تبدیل گردیده است. بر این اساس، عدد صفر یا حداقل فاصله بین قومی، در مورد کسانی صادق است که با همه گویه ها مخالف بوده اند.

گویه ها	
حاضریم با آنها وصلت و ارتباط خویشاوندی داشته باشیم؟	بلی خیر
حاضریم با آنها دوستی و رفاقت داشته باشیم؟	بلی خیر
حاضریم با آنها همکاری داشته باشیم؟	بلی خیر
حاضریم با آنها همسایه باشیم؟	بلی خیر
حاضریم با آنها در یک شهر و روستا زندگی کنم؟	بلی خیر

نتایج سنجش فاصله بین قومی به تفکیک سه وجه مورد بررسی آن یعنی عمومیت، شدت، تقارن ارائه می گردد.

### عمومیت فاصله بین قومی بر حسب درصد

منظور از عمومیت فاصله بین قومی با سایر اقوام، فراگیری و گستردگی اجتماعی آن است و نشان می دهد چه نسبتی از اعضای هر قوم، با اقوام دیگر فاصله دارند. چنانکه مشخص گردید در سوال مربوط به سنجش فاصله بین قومی، دو گزینه بلی و خیر پیش بینی شده و عمومیت فاصله بین قومی، درصد افرادی را نشان می دهد که حداقل به یکی از پنج گویه مذکور پاسخ موافق داده اند. به عبارت دیگر نمره فاصله بین قومی آنها نسبت به سایر اقوام بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰، بیشتر از ۰ است. بدین ترتیب ضریب عمومیت احساس نزدیکی قوم الف با قوم ب مطابق فرمول زیر محاسبه گردیده است:

(درصد پاسخگویان قوم الف که هیچگونه فاصله بین قومی با قوم ب ندارند) - ۱ = ضریب فاصله بین قومی قوم الف با قوم ب

مطابق فرمول، ضریب عمومیت فاصله بین قومی در بین زوج های مختلف اقوام چهارگانه محاسبه و نتایج آن در جدول منعکس گردیده است. این جدول نامتقارن است. یعنی اعداد نیمه بالا و پایین قطر جدول یکسان نیستند. به بیان دیگر ضریب عمومیت فاصله بین قومی الف با قوم ب لزوما مساوی ضریب عمومیت فاصله بین قومی ب با قوم الف نیست. در آخرین ردیف جدول "ضریب عمومیت فاصله بین قومی با سایر اقوام" و در آخرین ستون جدول نیز "ضریب عمومیت فاصله بین قومی سایر اقوام با هر قوم درج گردیده است.

جدول ۸ عمومیت فاصله قومی در بین اقوام چهارگانه استان خراسان شمالی

جمع	کرد	ترکمن	ترک	فارس	عمومیت فاصله بین قومی
۹۶	۹۵	۹۷	۹۶		فارس
۹۱	۸۸	۹۷		۸۸	ترک
۷۹	۷۸		۸۰	۷۹	ترکمن
۸۹		۹۱	۹۱	۸۶	کرد
۸۹	۸۷	۹۵	۸۹	۸۴	جمع

همانطور که در جدول ۸ نشان داده می شود، هر ستون نشان دهنده میزان عمومیت فاصله بین قومی آن قوم با قومیت های هر ردیف است. به این معنا که هر ردیف نشان دهنده میزان عمومیت فاصله بین قومی دیگر اقوام با قومیت آن ردیف است. با توجه به داده های جدول، میزان عمومیت فاصله بین قومی در بین تمام اقوام چهارگانه (کرد، ترکمن، ترک و فارس) از ۵۰ درصد بیشتر می باشد. عمومیت نزدیکی بین قومی قوم ترکمن با دیگر اقوام بالاترین میزان (۹۵ درصد) و عمومیت فاصله قوم فارس با دیگر اقوام بیشترین میزان (۸۴ درصد) را داراست. از طرفی نیز آخرین ستون

جدول "عمومیت فاصله بین قومی سایر اقوام بطور کلی با هر قوم" را نشان می دهد و همانطور که نشان داده شده، عمومیت نزدیکی دیگر اقوام با قوم فارس بیشترین میزان (۹۶ درصد) و عمومیت فاصله بین قومی اقوام دیگر با قوم ترکمن کمترین میزان (۷۹ درصد) می باشد.

#### شدت فاصله بین قومی بر حسب درصد

منظور از فاصله بین قومی، میزان و عمق فاصله بین قومی اقوام نسبت به یکدیگر است. شدت فاصله بین قومی هر زوج از اقوام به حسب میانگین فاصله قومی هر قوم با قوم دیگر محاسبه و نتایج آن در جدول مشخص گردیده است. میزان فاصله قومی هر زوج از اقوام چهارگانه خراسان شمالی در محل تقاطع نام آنها، درج شده است. همچنین در آخرین ستون جدول "میزان فاصله قومی سایر اقوام با هر قوم نشان داده شده است. این جدول نیز نامتقارن است. یعنی اعداد بالا و پایین قطر جدول یکسان نیستند به عبارت دیگر میزان فاصله قومی بین قومی قوم الف با قوم ب لزوما مساوی میزان فاصله قومی قوم ب با قوم الف نیست.

جدول ۹ میانگین و شدت فاصله قومی در بین اقوام چهارگانه استان خراسان شمالی

فاصله قومی	فارس	ترک	ترکمن	کرد	جمع
فارس		۹۲	۶۹	۹۰	۸۴
ترک	۶۹		۶۹	۶۴	۶۷
ترکمن	۳۸	۳۵		۴۳	۳۹
کرد	۶۰	۶۷	۴۹		۵۹
جمع	۵۶	۶۵	۶۲	۶۶	۶۲

با توجه به داده های جدول ۹ هر ستون نشان دهنده میزان شدت فاصله قومی آن قوم با قومیت های هر ردیف است. به این معنا که هر ردیف نشان دهنده میزان شدت فاصله قومی دیگر اقوام با قومیت آن ردیف است. با توجه به داده های جدول، شدت فاصله قومی قوم کرد با دیگر اقوام کمترین میزان (۶۶ درصد) و شدت فاصله قومی قوم فارس با دیگر اقوام بیشترین میزان (۵۶ درصد) را داراست. از طرفی نیز آخرین ستون جدول "شدت فاصله قومی سایر اقوام بطور کلی با هر قوم" را نشان می دهد و همانطور که نشان داده شده، شدت نزدیکی دیگر اقوام با قوم فارس بیشترین میزان (۸۴ درصد) و شدت فاصله قومی اقوام دیگر با قوم ترکمن بیشترین میزان (۳۹ درصد) می باشد.

#### تقارن فاصله بین قومی بر حسب درصد

منظور از تقارن فاصله بین قومی، دوجانبه بودن فاصله اقوام با یکدیگر است. ضریب تقارن فاصله بین قومی در بین هر زوج از اقوام چهارگانه خراسان شمالی مطابق با فرمول زیر محاسبه و نتایج آن در جدول منعکس گردیده است.

$100 \times (\text{میانگین فاصله بین قومی ب با قوم الف} / \text{میانگین فاصله بین قومی الف با قوم ب}) = \text{ضریب تقارن فاصله بین قومی}$

قوم الف و ب

در این فرمول، عدد کوچکتر همواره در صورت کسر قرار می گیرد. بدین جهت حداکثر تقارن (۱۰۰) وقتی حاصل می شود که میزان فاصله بین قومی دو قوم، حداقل تفاوت (۰) را با یکدیگر داشته باشند و در مقابل حداقل تقارن (۰) وقتی ظاهر می شود که میزان فاصله بین قومی دو قوم حداکثر تفاوت (۱۰۰) را با یکدیگر داشته باشد. در این جدول میزان تقارن فاصله بین قومی هر زوج از اقوام چهارگانه در محل تقاطع نام آن ها و در آخرین ستون، تقارن فاصله بین قومی هر قوم با سایر اقوام درج گردیده است. بعلاوه جدول مذکور متقارن است. یعنی اعداد بالا و پایین قطر جدول یکسان هستند و بنابراین از درج اعداد پایین قطر، صرف نظر گردیده است.

جدول ۱۰ آمارهای تقارن فاصله بین قومی در بین اقوام چهارگانه استان خراسان شمالی

تقارن احساس نزدیکی بین قومی	فارس	ترک	ترکمن	کرد	جمع
فارس		۷۵	۵۵	۶۷	۶۶
ترک			۵۰	۹۵	۶۷
ترکمن				۸۸	۶۴
کرد					۸۳
جمع					۷۰

جدول بالا نشان می دهد، بجز زوج کرد-ترک (تقارن ۹۵ درصد) در بین هیچکدام از اقوام دیگر فاصله بین قومی دوجانبه بطور تقریباً کامل وجود ندارد به عبارت دیگر آشنایی های بین قومی در همه موارد بجز کرد-ترک نامتقارن است.

کمترین تقارن فاصله بین قومی بین زوج ترک-ترکمن (۵۰ درصد) و فارس و ترکمن (۵۵ درصد) دیده می شود. در مقابل بیشترین تقارن بین زوج کرد-ترک (۹۵ درصد) برقرار است.

در مجموع، بیشترین تقارن فاصله بین قومی با سایر اقوام مربوط به کردها (۸۳ درصد) و کمترین تقارن آشنایی با سایر اقوام مربوط به ترکمن ها (۶۴ درصد) و فارس ها (۶۶ درصد) است. به عبارت دیگر میزان فاصله بین قومی کرد ها با سایر اقوام، کمترین تفاوت را با میزان فاصله بین قومی سایر اقوام با کرد ها دارد. در حالیکه میزان فاصله بین قومی ترکمن ها با سایر اقوام به مراتب بیشتر از میزان فاصله بین قومی سایر اقوام با ترکمن ها است.

### ۳-۵: مقایسه میانگین شدت فاصله بین قومی در بین اقوام خراسان شمالی در بین رده های اجتماعی درون اقوام

برای آگاهی از میزان و شدت فاصله بین قومی در بین اقوام خراسان شمالی در بین رده ها و لایه های مختلف درون هر قوم و درک شباهت یا تفاوت میان آنها، میانگین فاصله بین قومی در بین اقوام خراسان شمالی (میانگین ها برحسب درصد محاسبه شده است) در بین رده های مختلف جنسی، سنی، تحصیلی و شغلی در نزد اقوام خراسان شمالی محاسبه و نتایج آن در جدول درج گردیده است. با مقایسه میانگین فاصله بین قومی در بین اقوام خراسان شمالی در بین رده های مختلف درون هر قوم و در کل چند نتیجه عمده حاصل می شود:

#### جدول ۱۱ مقایسه میانگین ها برحسب جنسیت و سن

نام قوم	کل	جنسیت		سن		
		مرد	زن	کمتر از ۲۹ سال	۳۰-۴۹ سال	۵۰ سال به بالا
فارس	۶۵	۶۷	۶۳	۶۱	۶۷	۹۱
ترک	۷۱	۷۴	۶۶	۶۵	۷۴	۸۱
ترکمن	۷۳	۷۴	۷۰	۷۳	۷۷	۲۷
کرد	۷۱	۶۹	۷۳	۷۲	۷۱	۶۸
جمع	۷۰	۷۱	۶۸	۶۸	۷۲	۶۷

با توجه به داده های جدول ۱۱، بطور کلی میزان میانگین فاصله بین قومی به سایر اقوام، در بین قومیت ترکمن (۷۳ درصد) کمترین و در بین قومیت فارس (۶۵ درصد) بیشترین میزان می باشد. با تفکیک جنسیت در بین زنان، کمترین میزان فاصله بین قومی با اقوام دیگر، در بین کرد ها (۷۳ درصد) و بیشترین میزان میانگین فاصله بین قومی با اقوام دیگر در بین فارس ها (۶۳ درصد) می باشد. در بین مردان، کمترین میزان میانگین احساس نزدیکی با سایر اقوام در بین مردان ترک و ترکمن (۷۴ درصد) و بیشترین میزان میانگین احساس نزدیکی با سایر اقوام در بین مردان فارس (۶۷ درصد) است. بطور کلی میزان فاصله بین قومی با سایر اقوام در بین مردان (۷۱ درصد) کتر از زنان (۶۸ درصد) است. با تفکیک سن، مشاهده می شود، بطور کلی میزان میانگین فاصله بین قومی در بین افراد ۳۰ تا ۴۹ سال کمتر از سایر گروه های سنی است. همچنین کمترین میزان فاصله بین قومی با سایر اقوام در بین افراد فارس و بالای پنجاه سال (۹۱ درصد) و بیشترین میزان فاصله بین قومی در بین افراد ترکمن و بالای پنجاه سال (۲۷ درصد) می باشد.

جدول ۱۲ میزان سطح تحصیلات

نام قوم	کل	لیسانس یا ابتدایی	دیپلم	کلیسکال	دیپلمستان تا دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتر
فارس	۶۵	-	-	۵۶	۵۹	۵۹	۷۱	۵۹	۷۸
ترک	۷۱	۷۶	-	۶۷	۶۵	۶۵	۷۴	۷۶	۸۲
ترکمن	۷۳	-	۸۷	۸۷	۸۷	۴۳	۶۸	۶۷	۸۰
کرد	۷۱	۹۸	۶۵	۷۰	۷۸	۷۸	۷۳	۶۰	۱۰۰
جمع	۷۰	۸۷	۷۶	۷۰	۶۱	۶۱	۷۱	۶۵	۸۵

همانطور که داده ها نشان می دهد، بطور کلی میزان میانگین فاصله بین قومی با سایر اقوام در بین افراد با تحصیلات دکترا (۸۵ درصد) کمترین و در بین افراد با تحصیلات فوق لیسانس (۶۵ درصد) بیشترین میزان می باشد. بیشترین میزان میانگین فاصله بین قومی در بین افراد ترکمن با میزان تحصیلات فوق دیپلم (۴۳ درصد) و کمترین میزان میانگین در بین افراد کرد با تحصیلات دکترا (۱۰۰ درصد) است.

جدول ۱۳ وضعیت فعالیت

نام قوم	کل	دانش آموز	دانشجو	تربکار	خانه دار	شاغل غیر دولتی	شاغل دولتی	بازنشسته
فارس	۶۵	۵۱	۷۱	۴۲	۶۸	۶۹	۶۷	-
ترک	۷۱	۶۱	۵۴	۷۳	۶۹	۸۰	۷۷	۸۷
ترکمن	۷۳	-	۶۰	-	۸۰	۷۶	۶۹	-
کرد	۷۱	۶۷	۸۱	۸۲	۷۱	۶۲	۷۱	۸۰
جمع	۷۰	۶۰	۶۶	۶۶	۷۲	۷۲	۷۱	۸۳

با توجه به جدول ۱۳، بطور کلی بیشترین میزان فاصله بین قومی به سایر اقوام در بین افراد بازنشسته (۸۳ درصد) و بیشترین میزان مربوط به دانش آموزان (۶۰ درصد) است. با تفکیک قومیت و فعالیت، کمترین میزان فاصله بین قومی به سایر اقوام در بین افراد ترک و بازنشسته (۸۷ درصد) و بیشترین میزان میانگین فاصله بین قومی به سایر اقوام در بین افراد فارس و بیکار (۴۲ درصد) می باشد.

## ۶. نتایج:

امروزه نزدیکی یا دوری قومی، یکی از مسائل اساسی است که همواره مورد توجه جدی جوامع چند قومی قرار گرفته است. مسئله فاصله بین قومی موضوع جدیدی نیست، ولی با توجه به اهمیت روز افزون آن در فرآیند ملت سازی و تقویت هویت و همبستگی اجتماعی عام در هر جامعه، به ویژه در شرایط جهانی شدن، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، وجود فاصله وسیع و دوری در بین اقوام ایرانی می تواند زمینه ساز شکل گیری تضادهای قومی و در سطح بالاتر شکاف های قومی باشد که این امر، اقتدار ملی و هویت جمعی عام ایرانی را در سطح داخلی و خارجی تضعیف و متزلزل خواهد نمود. از هم گسیختگی های اجتماعی و فاصله های قومی، ساخت قطاعی را به همراه خواهد داشت؛ در چنین شرایطی است که ما به جای همفکری، همدل و همیاری بین قومی، با تضادها و تعارضات و ائتلاف پتانسیل ها و ظرفیت های اقوام مواجه خواهیم شد.



نتایج سنجش فاصله قومی در بین اقوام چهارگانه استان خراسان شمالی براساس پاسخ پرسش شوندگان نشان می دهد که عمومیت، شدت و تقارن فاصله بین قومی اقوام استان به طور کلی قوی است. شدت فاصله بین قومی قوم کرد با دیگر اقوام بالاترین میزان (۶۶ درصد) و شدت فاصله بین قومی قوم فارس با دیگر اقوام کمترین میزان (۵۶ درصد) را داراست. از طرفی شدت فاصله بین قومی دیگر اقوام با قوم فارس بیشترین میزان (۸۴ درصد) و شدت فاصله بین قومی اقوام دیگر با قوم ترکمن کمترین میزان (۳۹ درصد) می باشد. عمومیت فاصله بین قومی معادل ۸۹ درصد است یعنی ۸۹ درصد اقوام چهارگانه بر داشتن رابطه با یکدیگر میل و آمادگی دارند. عمومیت فاصله بین قومی قوم ترکمن با دیگر اقوام بالاترین میزان (۹۵ درصد) و عمومیت فاصله بین قومی قوم فارس با دیگر اقوام کمترین میزان (۸۴ درصد) را داراست. از طرفی همانطور که نشان داده شده، عمومیت فاصله بین قومی دیگر اقوام با قوم فارس بیشترین میزان (۹۶ درصد) و عمومیت فاصله بین قومی اقوام دیگر با قوم ترکمن کمترین میزان (۷۹ درصد) می باشد. از سوی دیگر میزان قرینگی فاصله بین قومی اقوام استان در مجموع، بیشترین تقارن فاصله بین قومی با سایر اقوام مربوط به کردها (۸۳ درصد) و کمترین تقارن آشنایی با سایر اقوام مربوط به ترکمن ها (۶۴ درصد) و فارس ها (۶۶ درصد) است. به عبارت دیگر میزان فاصله بین قومی کرد ها با سایر اقوام، کمترین تفاوت را با میزان احساس نزدیکی سایر اقوام با کرد ها دارد. در حالیکه میزان فاصله بین قومی ترکمن ها با سایر اقوام به مراتب بیشتر از میزان فاصله بین قومی سایر اقوام با ترکمن ها است.

فاصله بین قومی زمینه ساز روابط بین قومی است اما روابط بین قومی نیز خود باعث تقویت آن خواهد شد. نتایج حاصل از داده های این تحقیق نشان می دهد که ساکنان استان خراسان شمالی کم ترین فاصله اجتماعی را با یکدیگر داشته اند که این امر نشان از همزیستی مسالمت آمیز ساکنان این استان را دارد و به نوعی بیانگر عدم وجود بحران و تضاد قومی در این منطقه است. فاصله بین قومی بین قومی ساکنان استان خراسان شمالی همدلی، هماهنگی و همزیستی ساکنان این استان در اطلس زندگی قومی است. وجود این مساله تدوین و اتخاذ سیاست قومی را در ایران ضروری می سازد. سیاست قومی مذکور باید از یک سو تقویت اشتراکات و توافقات میان اقوام با همدیگر و با هویت جمعی عام در سطح جامعه و از سوی دیگر، تعدیل نقاط افتراق، تضاد و تعارض را چهار حوزه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پی گیری نماید.

#### کتابنامه

- Aboutalebi, A (1999) *Minority Rights and Convergence*, translated by Ali Karimi, National Quarterly, No. 2 and 3, Winter and Spring.
- Ahmadi H, (2017). *Political Management of Ethnic Crises: A comparative study of seven cases (Canada, Spain, Lebanon, Malaysia, South Africa and Iran)* Tehran :University of Tehran Press .40
- Ahmadi, H (2007). *Ethnicity and Ethnocentrism in Iran. Myth and reality*. Tehran. Ney Publications

- Atabaki T (1993). Nationality, Ethnicity and Autonomy in Contemporary Iran ", Dialogue Quarterly, Vol. 3:70
- Ballmer M , Solomoz J,(2002). Ethnic and Racial Studies in the Twentieth Century. Tehran: Institute of Strategic Studies.
- Biro, A,(2001). Culture of Social Sciences. Translated by Baqer S. Tehran: Kayhan Publications
- Blockbashi Ali (2016). Khorasan - Ethnic composition of the population, Khorasan - Ethnic composition of the population, <https://www.cgie.org.ir/fa/article/142124>
- Bourdieu, P (2001) Theory of Action-Scientific Reasons and Rational Choice, translated by Morteza Mardiha, Tehran: Naghsh-e-Vangar
- Burton, J,(1984). global conflict: the Domestic Sources of International Crisis, Brighton: Wheatsheaf Books
- Burton, R,(2001). Political Ethnography. translated by Nasser F. Tehran: Ney Publications.
- Coleman, J (1998). Foundations of Social Theory, translated by Manouchehr Sabouri / Tehran Ney Publishing
- Coen B,(2006). Fundamentals of Sociology of Translation and Adaptation Gholamabbas T, and Reza F, Tehran :Samt
- Coser, Louis (1994). Life and Thought of Sociological Elders, translated by Mohsen Thalasi, Tehran: Scientific Publisher
- Craib, J (1999), Modern Social Theory: From Parsons to Habermas, translated by Abbas Mokhber, Tehran, Agah
- Davari, Reza (1997). Nationalism and Revolution, Tehran: Institute of National Studies
- Goodarzi, H ( 2005). Discourses on the Sociology of Identity in Iran. Tehran. Institute of National Studies. Publications of Iranian Civilization.
- Habermas, J. (1996). Between Facts and Norms(W. Rehg, Trans.), Cambridge, MA: MIT Press
- Heise David, R. (1998) "Conditions for Empathic Solidarity", in Patrick Doreian and Thomas Fararo, The Problem of Solidarity, Theories and Models, Amsterdam: Gordon and Breach publisher
- Jafari Teymour, (2015) Statistical study and geographical analysis of ethnic groups living in the settlements of North Khorasan North Khorasan Disciplinary Knowledge Quarterly, North Khorasan, second year, No. 7
- Jenkins, R (2002) Social Identity. Translated by Touraj Yar Ahmadi. Tehran: Shiraz Publishing
- Juma Dizavandi, Fatemeh (2015). Excerpts from the General Census of Population and Housing of North Khorasan Province indexed in:) <https://khorasansh.mpporg.ir/FileSystem/View/File.aspx>
- Karimi A,(2006). Multi-cultural Beliefs and National Unity: Critical Reflection, National Studies Quarterly, Year VII, No. 3
- Karimi Y. (1998). Social Psychology; Theories, concepts and applications: Tehran. Arasbaran Publications
- Maghsoudi M,(2001). Ethnic Developments in Iran Causes and Backgrounds, Tehran:Institute of National Studies.
- Maghsoudi, M (2001). Ethnicities and Cultural Identity of Iran, Journal of Philosophy, Theology and Mysticism Research, No. 22-23
- Moein M,(2003). Moein Persian Dictionary of Tehran: Didgah and Neda Publications Second Edition.
- Nik Gohar A,(2000) Fundamentals of Sociology, Tehran Raizan Publications 228
- Papli Yazdi, M (1997). Map of the dispersion of languages in the villages of NorthKhorasan Geographical Research Autumn No. 10 of Mashhad
- Rafipour, F( 1996). Excavations and Concepts: An Introduction to Methods of Community Recognition and Social Research, Tehran, Anteshar Co.
- Rezaei A, Ahmadloo H (2005) The Role of Social Capital in Inter-Ethnic Relations and National Identity (Study of Tabriz and Mahabad Youth). National Studies, Volume 6, Number 4, Tehran
- Rupesinghe, K(1999) Coexistence and transformation in Asia: som relection in culture and identity: Ethnic Coexistence in the Asian, context, ed, kumar Rupsinghe, Washington D.s: Thesakawa peace foundation.

Touval, S (2007) Ethical Dilemmas in international Mediation" *Negotiation Journal*, 11 pp

Sarukhani B, (1991) *An Introduction to the Encyclopedia of Social Sciences*. Tehran: Kayhan.

Seyed Emami, K (2008). Where do ethnic identities arise? A review of the main theories. *First Line Quarterly*. second year. number 7.

Sheblyng, J, (1998). *What is Geography?* Translation: Siruse S, Mashhad: Mohaghegh

Smith, A, (2004). *"Nationalism (Theory, Ideology, History)* translated by Mansour A. Tehran: Institute of National Studies